

رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت از زندگی سالمندان

دکتر فرح نادری*
دکتر پرویز عسگری**
خدیجه روشنی***
مریم مهری آدریانی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت زندگی سالمندان شهر اهواز بود. نمونه پژوهش ۱۵۰ نفر بودند که با روش نمونه گیری مرحله ای انتخاب شدند. برای اندازه گیری متغیرها از پرسشنامه‌های هوش معنوی (ISIS)، هوش هیجانی شات و مقیاس رضایت زندگی (SWLS) استفاده شد. طرح تحقیق از نوع همبستگی بود و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و رضایت از زندگی، همچنین بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون با روش ورود نشان داد که متغیرهای هوش معنوی، هوش هیجانی به ترتیب پیش بینی کننده رضایت زندگی بودند.

کلید واژگان: هوش معنوی، هوش هیجانی، رضایت از زندگی، سالمندی

مقدمه

مسئله هوش به عنوان یک ویژگی اساسی که تفاوت فردی را در بین انسانها موجب می شود از ابتدای تاریخ مکتوب زندگی انسان مورد توجه بوده است. اما از آغاز مطالعه هوش غالباً بر جنبه‌های شناختی آن نظیر حافظه، حل مسئله و تفکر تأکید شده، در حالی که امروزه نه تنها جنبه‌های غیر شناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد بلکه در پیش بینی توانایی فرد برای موفقیت

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، گروه روانشناسی
** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز
*** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده است (ونگ و لاو، ۲۰۳۲). هوش معنوی به عنوان یکی از مفاهیم جدید هوش، دربر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسأله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و..... شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می نماید. این هوش به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می دهد و او را قادر می سازد به چارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۷). ولمن^۲ هوش معنوی را به عنوان ظرفیت انسان برای پرسیدن سؤالات غایی درباره زندگی و تجارب همزمان و ارتباط هر یک از ما با دنیایی که در آن زندگی می کنیم تعریف می کند (ولمن، ۲۰۰۱). نازل^۳ نیز هوش معنوی را به عنوان توانایی نزدیک شدن به توانایی های معنوی و منبعی برای شناخت بهتر، کشف معنی و تحلیل وجودی، معنویت و رفتارهای عملی تعریف می کند (نازل، ۲۰۰۴).

علاوه بر هوش معنوی یکی دیگر از مفاهیم هوش که به عنوان جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان یک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می شود مفهوم هوش هیجانی است. سالووی و مایر^۴ (۱۹۹۹) در پاسخ به این سؤال که چرا دو فرد با هوشبهر مساوی می توانند به سطوح کاملاً متفاوتی از پیشرفت و خوشبختی برسند، برای اولین بار اصطلاح هوش هیجانی را مطرح نمودند. منظور از هوش هیجانی آن دسته از جنبه های زیر بنایی رفتار فردی است که به طور کامل با توانایی های عقلانی و تفکری او متفاوت است (برادبری و گریوز^۵؛ ترجمه ابراهیمی، ۱۳۸۷). هوش هیجانی مجموعه ای از توانایی های غیر شناختی است، دانش ها و مهارت هایی که بر توانایی رویارویی موفقیت آمیز با خواسته ها - مقتضیات و فشارهای محیطی تأثیر می گذارد (بار-ان^۶، ۱۹۹۷؛ شریفی در آمدی، ۱۳۸۶). براساس برخی مطالعات، مؤلفه های هوش هیجانی پیش بینی کننده عمده ای برای شاخص های بهزیستی روانی از جمله رضایت از زندگی و عملکرد بین فردی محسوب می شوند (اکستر مرا و فرناندز^۷، ۲۰۰۵). احساس بهزیستی یا رضایت از زندگی یکی از ویژگی های مهم روانی است که فرد واجد سلامت می بایست از آن برخوردار باشد. رضایت از زندگی مفهومی پایدار و فراگیر است که احساس و نظر کلی مردم یک جامعه را نسبت به جهانی که در آن زندگی می کنند منعکس می کند. دینر و همکاران (۱۹۹۹) رضایت از زندگی را به عنوان نشانه ای بارز از سازگاری موفقیت آمیز فرد با تغییر در موقعیت های گوناگون زندگی تعریف می کنند. برخلاف انتظار معمول، رضایتمندی از زندگی همراه با افزایش سن افت نمی کند و عموماً در سراسر دوره زندگی، پایدار باقی می ماند (دینر و همکاران، ۱۹۹۹). رضایت یا عدم رضایت از زندگی در دوره سالمندی تحت تأثیر مرور گذشته زندگی فرد است. سالخوردگی به عنوان مرحله نهایی رشد برای بازنگری و روشن کردن و معنا بخشیدن به چگونگی گذران زندگی گذشته است. ادامه رشد فرد در

1. Wong & Law
2. Wolman
3. Nasel
4. Salovey & Mayer
5. Bradberry & Greaves
6. Bar-On
7. Extremera & Fernandez

این دوره وقتی میسر است که بتوان با واقع بینی و انعطاف پذیری خود را با تغییرات و فقدانها سازگار سازد و این سالهای عمر خود را با احساس ارزشمندی و مؤثر بودن بگذراند. مهمتر اینکه فرد محصول و میوه زندگی خود در سالهای گذشته را در این دوره از زندگی، خواه در وجود فرزندان، خواه در روابط انسانی با دیگران و یا در آثار تولیدی و خدمات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی احساس کند و زندگی خود را معنی دار ببیند و از آن احساس رضایت کند (لطف آبادی، ۱۳۷۹).

فابریکاتور و همکاران^۱ (۲۰۰۰)، در مطالعات خود دریافتند که معنویت بر رضایتمندی کلی زندگی تاثیر می گذارد. معنویت شخصی به طور موثقی، رضایتمندی بیشتر از زندگی را پیش بینی می کند. همچنین به عنوان یک مکانیسم سازگاری ارزیابی می شود که به آنها کمک می کند که نسبت به کسانی که سطح پایین تری از معنویت شخصی را دارا هستند، بهتر و آسان تر عوامل تنش زار را کنترل کنند.

نتایج پژوهش ساندر و هوگای^۲ (۲۰۰۳) در بررسی رابطه معنویت و رضایت از زندگی زنان آفریقایی آمریکایی نیز، نشان داد که زنان سطح تعصب مذهبی بالاتری نسبت به معنویت داشتند که همستگی معنی داری با رضایت از زندگی داشت و معنویت به عنوان متغیری بود که در رضایت از زندگی زنان آفریقایی در میانسالان علیرغم، سن، درآمد و سطح تحصیلات، نقش داشت.

پژوهش بریل هرت^۳ (۲۰۰۵) در بررسی رابطه معنویت و رضایت از زندگی افرادی که دچار آسیب نخاع شوکی بودند نشان داد که ارتباط مثبت و معنی داری بین رضایت از زندگی و فاکتورهای معنوی - روانشناختی ابزار کیفیت زندگی وجود دارد.

نتیجه پژوهش آکلین کازرین^۴ (۲۰۰۹) نیز نشان داد که ابعاد مذهبی بودن با رضایت از زندگی بالاتر مرتبط است و افراد مذهبی در اقوام مذهبی شادترند. در بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زندگی نیز پژوهش هایی صورت گرفته که به برخی از آنها اشاره می شود.

در پژوهش احدی و همکاران (۱۳۸۶) که به تعیین ارتباط هوش هیجانی، سبک های اسنادات و خود کارآمدی با رضایت از زندگی در زنان شاغل شهرستان بجنورد پرداختند نتایج نشان داد: بین هوش هیجانی و خود کارآمدی با رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد اما بین سبک های اسنادات و رضایت از زندگی رابطه معنی داری دیده نشد. نتایج رگرسیون نیز نشان داد که خود کارآمدی توان پیش بینی رضایت از زندگی را دارد.

نتایج پژوهش خویشتن دار (۱۳۸۵) نیز در بررسی رابطه بین هوش هیجانی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی در دانش آموزان دبیرستانی شهرستان بویین زهرا حاکی از آن بود که بین هوش هیجانی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی و بین هوش هیجانی و پیشرفت رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که از بین پنج عامل ترکیبی هوش هیجانی تنها سه عامل یعنی خلق عمومی، کنترل استرس و سازگاری به طور معنی داری پیش بینی کننده رضایت از زندگی می باشند. از میان انواع حمایت اجتماعی نیز تنها حمایت خانواده پیش بینی کننده رضایت از زندگی می باشد.

1. Fabricatore & et. al

2. Sandra & Hughey

3. Brillhart

4. Okulicz-Kozaryn

همچنین نتایج پژوهش برنا و سواری (۱۳۸۶) در بررسی رابطه هوش هیجانی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی گویای آن بود که بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی و نیز بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه ای مثبت وجود دارد.

در بررسی خود ادراکی هوش هیجانی و رضایت از زندگی اساتید دانشگاه، آگستولندا^۱ و همکاران (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که بین رضایت زندگی و خرده مقیاس های 'TMMS' (مقیاس سنجش هوش هیجانی) و خرده مقیاس های 'TAS' (مقیاس سنجش الکسی تایمی) و رضایت شغلی ارتباط قوی وجود دارد. تحلیل های بعدی نشان داد که رضایت از زندگی مهمترین پیش بینی کننده احساس مثبت و منفی و وضوح هیجانی است.

کاراداماس^۴ (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی دریافت که مؤلفه خوش بینی در هوش هیجانی رابطه خود کارآمدی و حمایت اجتماعی ادراک شده با جنبه های مختلف بهزیستی روانی از جمله رضایت از زندگی را تعدیل می کند و باعث گسترش استفاده از راهبردهای مقابله ای مسئله مدار و تنظیم هیجانات می شود.

با توجه به آنچه گفته شد و اهمیت دوره سالمندی و ضرورت و اهمیت برنامه ریزی به منظور بررسی و شناخت عوامل مرتبط با رضایت از زندگی این قشر از جامعه و با توجه به برخی تعاریف هوش مبنی بر قدرت سازگاری افراد که به تبع آن می تواند رضایت از زندگی را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد، سوال پژوهش حاضر این است که آیا بین هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت از زندگی سالمندان رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان سالمند شهر اهواز بود که در سال ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه این تحقیق ۱۵۰ سالمند (۷۸ زن و ۷۲ مرد) را در بر می گیرد که با روش نمونه گیری تصادفی مرحله ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که از مناطق هشتگانه شهر اهواز چهار منطقه و از بین کانون های بازنشستگان موجود در این مناطق چهار کانون به صورت تصادفی انتخاب شده و پس از دریافت لیست بازنشستگان موجود در کانون ها آزمودنی ها به صورت تصادفی انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری

مقیاس هوش معنوی 'ISIS': یک ابزار خود گزارشی است که توسط امرام و درایر^۶ در سال ۲۰۰۷ ساخته شد و شامل دو فرم کوتاه و بلند است که فرم بلند آن ۸۳ آیتم و فرم کوتاه آن شامل ۴۴ آیتم است که با افزودن یک سؤال ملاک به آیتم های فرم کوتاه در مجموع، فرم کوتاه این پرسشنامه ۴۵ آیتم دارد. اعتبار این آزمون از یک نمونه ۲۴۰ نفری به دست آمد که فرم کوتاه با تمام نمرات فرم بلند ISIS همبستگی

1. Augusto Landa
2. Trait Meta-Mood Scale
3. Toronto Alexithymia Scale
4. Karadams
5. Integrated Spiritual Intelligence Scale
6. Amram & Dryer

۰/۹۹ را نشان داد. همبستگی های فرم کوتاه و فرم بلند دامنه ای از ۰/۹۴ تا ۰/۹۸ را نشان می دهد.

همچنین برای سنجش همسانی درونی مقیاس آلفای کرونباخ (۰/۹۷) محاسبه شد، که ضریب پایایی نسبتاً بالایی بود. در ایران برای اولین بار طی پژوهشی نادری و روشنی (۱۳۸۸) فرم کوتاه این مقیاس را بر روی نمونه ای از سالمندان، اجرا کردند که ضریب پایایی آن، از طریق دو روش آماری آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل مقیاس به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۷۵ به دست آمد و اعتبار همزمان این مقیاس با مقیاس نگرش مذهبی برابر ۰/۴۱ در سطح معناداری $P \leq 0/0001$ به دست آمد. همچنین ضریب همبستگی مقیاس هوش معنوی با پرسش ملاک محاسبه گردید و مشخص گردید که رابطه معنی داری بین پرسشنامه هوش معنوی و خرده مقیاس های آن با پرسشنامه ملاک وجود دارد ($P \leq 0/0001$ و $r = 0/57$).

مقیاس هوش هیجانی شات: شات و همکاران در سال ۱۹۹۸، این پرسشنامه را براساس مدل نظری سالووی و مایر (۱۹۹۰) از هوش هیجانی ساختند. این مقیاس دارای ۳۳ ماده است که هر سه مؤلفه هوش هیجانی را که عبارتند از: ارزیابی و ابراز هیجانی، تنظیم هیجانی و بهره برداری از هیجان را ارزیابی می کند. خسرو جاوید (۱۳۸۱) به منظور محاسبه پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ و جهت محاسبه اعتبار سازه و همبستگی درونی خرده مقیاس هوش هیجانی از روش تحلیل عاملی استفاده کرد. ضریب آلفای کرونباخ، اعتبار هوش هیجانی کل را $\alpha = 0/61$ نشان داد. در مرحله بعدی به منظور بررسی پایایی و اعتبار سازه، پرسشنامه هوش هیجانی شات در نوجوانان اعتبار یابی شد. یافته ها نشان داد که پرسشنامه هوش هیجانی شات در میان نوجوانان از اعتبار بالایی برخوردار است. ($\alpha = 0/81$). در ضمن تحلیل عاملی مقیاس با استفاده از تحلیل مؤلفه های اصلی، سه عامل تنظیم هیجانی ($\alpha = 0/78$)، ابزار و ارزیابی هیجانی ($\alpha = 0/6$) و بهره برداری از هیجان ($\alpha = 0/50$) را پیشنهاد می دهد. (عسگری، حیدری، نادری و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ برابر با $\alpha = 0/82$ به دست آمد.

مقیاس رضایت از زندگی (SWLS): این مقیاس (دینر و همکاران، ۱۹۸۵) برای اندازه گیری رضایت از زندگی به کار گرفته شده است. مقیاس دارای ۵ ماده است و هر ماده هفت گزینه دارد که در این بررسی از یک (کاملاً مخالفم) تا هفت (کاملاً موافقم) نمره گذاری شده است. اسپچمیک و همکاران^۳ (۲۰۰۲)، بین نمره های این مقیاس با برون گرایی^۴ و نورو گرایی^۵ به همبستگی ۰/۴۶ و ۰/۴۸ دست یافتند و پایایی این مقیاس را از روش آلفای کرونباخ برای ملت های آمریکایی، آلمانی، ژاپنی، مکزیکی و چینی به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۲، ۰/۷۹، ۰/۷۶، ۰/۶۱، ۰/۶۰ گزارش کردند. اسماعیلی (۱۳۸۷) برای تعیین اعتبار این مقیاس به طور همزمان آن را با مقیاس شادکامی آکسفورد اجرا کرد که ضریب اعتبار همزمان آن دو ۰/۶۶ به دست آمد و برای تعیین پایایی این مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده نمود و ضریب پایایی ۰/۸۰ را گزارش کرد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این مقیاس است. در تحقیق کنونی پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر با $\alpha = 0/80$ به دست آمد.

1. Schutte Emotional Intelligence Scale
2. Diener & et al.
3. Schimmack & et al.
4. extraversion
5. neuroticism

نتایج پژوهش

فرضیه اول: بین هوش معنوی با میزان رضایت از زندگی سالمندان رابطه وجود دارد همان طوری که در جدول شماره ۱ مشاهده میشود بین هوش معنوی با میزان رضایت از زندگی در کل نمونه سالمندی رابطه معنی داری وجود دارد ($P \leq 0/04$ و $r = 0/20$). بنابراین فرضیه اول تأیید می گردد. به عبارت دیگر، بالا بودن سطح هوش معنوی نشانگر میزان بالای رضایت از زندگی در کل نمونه است.

جدول ۱. ضرایب همبستگی ساده بین هوش معنوی با میزان رضایت از زندگی سالمندان در کل نمونه و بر حسب تفکیک جنسی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری		تعداد
		ضریب همبستگی	سطح معنی داری	
هوش معنوی	میزان رضایت از زندگی	کل سالمندان	۰/۲۰	۱۵۰
		زنان	۰/۰۴	۷۸
		مردان	۰/۳۰	۷۲

فرضیه دوم: بین هوش هیجانی با میزان رضایت از زندگی سالمندان رابطه وجود دارد همان طوری که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود بین هوش هیجانی با میزان رضایت از زندگی سالمندان زن و مرد در نمونه سالمندی رابطه معنی داری به دست آمد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی ساده بین هوش هیجانی با میزان رضایت از زندگی در کل نمونه و سالمندان زن و مرد

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری		تعداد
		ضریب همبستگی	سطح معنی داری	
هوش معنوی	میزان رضایت از زندگی	کل سالمندان	۰/۳۰	۱۵۰
		زنان	۰/۲۱	۷۸
		مردان	۰/۳۱	۷۲

($r = 0/30$ و $P \leq 0/005$). بنابراین فرضیه دوم تأیید می گردد. به عبارت دیگر، بالا بودن میزان هوش هیجانی نشانگر معنی داری برای میزان رضایت از زندگی در کل نمونه است.

فرضیه سوم: بین هوش معنوی و هوش هیجانی با میزان رضایت از زندگی سالمندان رابطه چندگانه وجود دارد.

آنچنان که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است، نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در کل نمونه سالمندی با روش هم زمان یا ورود (قسمت الف) جهت تعیین میزان ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی هوش معنوی، هوش هیجانی با میزان رضایت از زندگی و مشخص شدن سهم نسبی

جدول شماره ۳. ضرایب همبستگی چندگانه بین هوش معنوی و هوش هیجانی با میزان رضایت از زندگی سالمندان با روش های الف: ورود و ب: گام به گام

الف ملاک متغیر	شاخص های آماری متغیرهای پیش بین	همبستگی چندگانه MR	ضریب تعیین (A) RS	ضرایب رگرسیون (β)	
				نسبت F احتمال P	هوش معنوی
میزان رضایت از زندگی ملاک	هوش معنوی	۰/۲۰	٪۴	F=۴/۲۶ P=۰/۰۴	β = ۰/۲۰ T = ۲/۰۶ P=۰/۰۴
	هوش هیجانی	۰/۳۰	٪۹	F=۵ P=۰/۰۰۸	β = ۰/۲۳ T = ۳۵/۲ P=۰/۰۲
ب ملاک متغیر	شاخص های آماری متغیرهای پیش بین	همبستگی چندگانه MR	ضریب تعیین تعدیل شده (A) RS	ضرایب رگرسیون (β)	
				نسبت F احتمال P	هوش معنوی
از زندگی رضایت ملاک	هوش هیجانی	۰/۲۵۱	٪۶/۳	F=۵ P=۰/۰۰۸	β = ۰/۲۳ T = ۳۵/۲ P=۰/۰۲

هر یک از متغیرهای پیش بین در واریانس متغیر ملاک یعنی میزان رضایت از زندگی حاکی از آن است که بین هوش معنوی، هوش هیجانی با میزان رضایت از زندگی رابطه چند گانه وجود دارد (MR=۰/۳۰) و (RS A=۰/۰۹). بنابراین فرضیه سوم تایید گردید. با توجه به ضریب تعیین (RS) مشخص گردید که ۹٪ واریانس میزان رضایت از زندگی به طور همزمان توسط متغیرهای پیش بین یعنی هوش معنوی و هوش هیجانی قابل پیش بینی می باشد.

در قسمت (ب) جدول مذکور که با روش گام به گام صورت گرفته است نتایج حاصله نشان می دهد که تنها یکی از متغیرهای مستقل یعنی سطح هوش هیجانی در پیش بینی متغیر ملاک نقش معنی داری را ایفاء می کنند و میزان هوش معنوی نقش معنادار و موثری در پیش بینی میزان رضایت از زندگی به عهده ندارد. علاوه بر آن در جدول مذکور اثر وارد شدن هر یک از متغیرهای پیش بین در پیش بینی متغیر ملاک نیز نشان داده شده است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به هدف تحقیق که بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت از زندگی سالمندان بوده است در نتیجه سه فرضیه تدوین گردید.

فرضیه اول: بین هوش معنوی و رضایت زندگی سالمندان رابطه وجود دارد.

با مراجعه به جدول شماره ۱ ضریب همبستگی بین هوش معنوی و رضایت زندگی سالمندان برابر با $r = ۰/۲۰$ به دست آمد که در سطح $P \leq ۰/۰۴$ معنا دار است، بنابراین فرضیه اول مورد تایید قرار گرفت.

($r=0/20$ و $P\leq 0/04$). نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات کلن، زبراکي و وگل (۲۰۱۰)، آکلین کازرین^۲ (۲۰۰۹)، بریل هرت^۳ (۲۰۰۵)، ساندر و هوگای^۴ (۲۰۰۳)، فابریکاتور و همکاران^۵ (۲۰۰۰)، کینیر و همکاران^۶ (۲۰۰۰)، مار کایدز، لوین و ری^۷ (۱۹۸۴)، هانسبرگر^۸ (۱۹۹۴)، لوین، چترز و تیلر^۹ (۱۹۹۳)، همخوانی دارد.

در تبیین نتایج حاصل از آزمون اولین فرضیه می توان به این موضوع اشاره کرد، اصطلاح هوش صرفاً نامی است که به فرایندهای ذهنی فرضی و یا مجموعه رفتارهای هوشمندانه اطلاق می شود. یکی از شناسه‌های بنیادی هوش، توانایی حل کردن مسائل به گونه ای واقع بینانه و عملی است و هوش معنوی به عنوان نوعی هوش غایی که مسائل معنایی و ارزشی را نشان می دهد و ظرفیت‌های سازگاری روانی را در بر می گیرد بر جنبه‌های غیر مادی و غیر جبری بنا شده و در بر گیرنده منابع معنوی، ارزشها و ویژگی‌هایی است که عملکرد و تندرستی روزانه را افزایش می دهد. افراد با نمره هوش معنوی بالا از حد جسم و ماده فراتر رفته، حالات اوج هوشیاری را تجربه می کنند و از منابع معنوی برای حل مسائل استفاده می کنند و خصوصیات هم چون تواضع، بخشش، حق شناسی و ترحم یا گذشت را در آنان می توان دید. با دارا بودن این ویژگیها و دید مثبت نسبت به دنیا این افراد از زندگی خود رضایت دارند و برای بهبود آن می کوشند. انسان و زندگی مفاهیمی هستند که هرگز از هم جدانمی شوند و رضایتمندی از زندگی بزرگترین آرزو و مهمترین هدف زندگی بشر است که بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را تحت تاثیر خود قرار می دهد. بررسی‌های به عمل آمده نشان می دهد رضایت از زندگی که عموماً در طول زندگی به نوعی ثبات خود را حفظ می کند در افرادی که خود را معنوی تر و مذهبی تر می دانند، سطوح بالاتری دارد و تمایل به معنویت با افزایش سن رشد می کند و تغییرات درونی را که افراد در میانسالی آغاز می کنند تا جنبه معنوی تری را در خود کشف نمایند در سالمندی افزایش می یابد. سالمندی فرصت سیر به سوی کمال و رسیدگی به خویشتن و مرحله ای موثر و گرانقدر در زندگی است که معنویت به طور خاصی در افراد پر معنا می شود زیرا با فقدان‌های زیاد و مشکلاتی در زندگی گذشته مواجه بوده اند که این کمبودها ممکن است بر انگیزاننده و راه انداز رشد آنها باشند و رضایت از زندگی آنها را تحت الشعاع خود قرار دهد. با توجه به نکات مطرح شده می توان اظهار کرد که بین هوش معنوی و رضایت زندگی سالمندان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین هوش هیجانی و رضایت زندگی سالمندان رابطه وجود دارد.

مطابق جدول شماره ۲ ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و رضایت زندگی سالمندان برابر با $r=0/30$ و $P\leq 0/005$ معنادار است، بنابراین فرضیه دوم نیز مورد

1. Chlan, Zebracki & C Vogel
2. Okulicz-Kozaryn
3. Brillhart
4. Sandra & Hughey
5. Fabricatore & et. al
6. Kinnier & et. al
7. Markides, Levin, Ray
8. Hunsberger
9. Levin, Chatters, Taylor

تایید قرار گرفت. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش احدی و همکاران (۱۳۸۶)، جوکار (۱۳۸۶)، خویشتن دار (۱۳۸۵)، آگستولندا^۱ و همکاران (۲۰۰۶)، اکسترما و فرنندز بروکل^۲ (۲۰۰۵)، واگنر^۳ (۲۰۰۲)، پلمر، دونلدسن و استاوق^۴ (۲۰۰۲) همخوانی دارد.

تحولات عظیمی که در حوزه هوش و هیجان رخ داده، بر ارتباط نزدیک و درهم تنیده این دو تأکید می نماید. هوش هیجانی، توانایی اداره مطلوب خلق و خوی، وضع روانی، کنترل تکانه‌ها و عاملی است که هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف، در شخص انگیزه و امید ایجاد می کند. هوش هیجانی، به عنوان مهارتی انعطاف پذیر که به آسانی آموخته می شود توانایی بسیار مهمی است زیرا افرادی که مهارت هیجانی دارند در هر حیطة از زندگی متمایزند، در زندگی خود خرسند و کارآمدند و عادات فکری را در اختیار دارند که موجب می گردد مولد و کارا باشند. پژوهش‌های متعدد نشان داده اند که هوش هیجانی می تواند سبب افزایش میزان سلامتی، رفاه، ثروت، موفقیت، عشق و شادی گردد. مطالعات نیز نشان می دهد بیش از ۵۰ درصد عامل موفقیت، بستگی به هوش هیجانی دارد و کسانی که این هوش خود را به کار می گیرند با محیط اطراف خود سازگاری بیشتری دارند، اعتماد به نفس بالایی نشان می دهند و از توانایی‌های خود آگاهند. برخی مطالعات مؤلفه‌های هوش هیجانی را یک پیش‌بین عمده برای شاخص‌های بهزیستی روانی (از جمله رضایت از زندگی) و عملکرد بین فردی محسوب می کنند. رضایت از زندگی به عنوان یکی از مهمترین نیازهای روانی بشر، به دلیل تأثیرات عمده‌ای که بر شکل‌گیری شخصیت آدمی و در یک کلام مجموعه زندگی انسان دارد، همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. احساس خرسندی و رضایت از زندگی، از مؤلفه‌های نگرش مثبت افراد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می کنند. رضایت‌مندی از زندگی، برخلاف انتظار معمول، همراه با افزایش سن افت نمی کند و در سراسر دوره زندگی، پایدار باقی می ماند. سالمندی دوران پختگی، ورزیدگی و زمان احساس بی نیازی است و فرصت سیر به سوی کمال و رسیدگی به خویشتن است. پدیده سالمندی از جمله مسائل شایان توجه دوران رشد یافتگی جوامع بشری است که اگر به درستی مورد ارزیابی و برنامه ریزی قرار گیرد می توان از این گروه سنی به عنوان سرمایه‌های انسانی شناخته شده در کنار سایر گروه‌های سنی در جهت توسعه یاری جست.

فرضیه سوم: بین هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت زندگی سالمندان رابطه چند گانه وجود دارد.

چنانچه در جدول شماره ۳ نشان داده شد ضریب همبستگی چند گانه بین هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت زندگی سالمندان برابر با $MR = 0.30$ به دست آمد که در سطح $p \leq 0.008$ معنا دار است، $F(5) = 0.008$ و بنابراین فرضیه سوم هم مورد تایید قرار گرفت. یعنی بین هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت زندگی سالمندان رابطه چند گانه وجود دارد. علاوه بر آن با توجه به ضریب تعیین (RS) مشخص گردید که ۹٪ واریانس میزان رضایت از زندگی به طور همزمان توسط متغیرهای پیش بین یعنی هوش معنوی و هوش هیجانی قابل پیش بینی می باشد. البته با توجه به ضرایب به دست آمده با استفاده از روش گام به گام هوش معنوی در پیش بینی واریانس میزان رضایت از زندگی نقش معنی داری را ایفاء نمی نماید

1. Augusto Landa
2. Extremera & Ferná'ndez-Berrocá
3. Wagner
4. Palmer, Donaldson & Stough

($t = 1/35$ و $P \leq 0/18$, $\beta = 0/15$) و هوش هیجانی در تبیین واریانس رضایت از زندگی سالمندان نسبت به هوش معنوی نقش قوی‌تری را به عهده دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش احدی و همکاران (۱۳۸۶)، جوکار (۱۳۸۶)، خویشتن‌دار (۱۳۸۵)، بریل‌هرت (۲۰۰۵)، آگستولندا و همکاران (۲۰۰۶)، اکسترما و فرندز بروکل (۲۰۰۵)، واگنر (۲۰۰۲)، پلمر، دونلدسن و استاوق (۲۰۰۲) همخوانی دارد.

مفهوم هوش از جمله مفاهیمی است که از دیرباز مورد توجه بوده است و امروزه علاوه بر آنکه بر جنبه‌های شناختی و غیر شناختی هوش تأکید می‌شود، در پیش‌بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده است. هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌هاست که کمک می‌کند در زندگی شخصی یا کاری با دیگران رابطه‌ای دوستانه و مداراگرایانه برقرار کنیم. همچنین قابلیت است که بر سایر توانایی‌های ما تأثیری عمیق، تسهیل‌کننده، یا بازدارنده به جای می‌گذارد. افراد با هوش هیجانی بالا توانایی سازگاری با اطراف خود، اعتماد به نفس و خود آگاهی بالا دارند و در تعدادی از پژوهش‌ها، از جمله پژوهش حاضر هوش هیجانی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ای مهم برای رضایت زندگی معرفی می‌شود. رضایت از زندگی، برآوردی درونی از کیفیت زندگی یک فرد است و آن را به عنوان ارزیابی کلی از کیفیت زندگی فرد بر طبق ملاک‌های انتخاب شده توسط وی تعریف می‌کنند. یکی از عوامل مؤثر در افزایش احساس رضایت از زندگی و رضایت‌مندی پیوندهای دینی و ایمان مذهبی است. از آنجا که فرد با ایمان دارای ارتباطات و اعتقادات معنوی است، کمتر احساس رها شدگی، پوچی و تنهایی می‌کند و هوش معنوی به عنوان یکی از مفاهیم جدید هوش زیربنای موضوعاتی است که به آن‌ها ایمان داریم، هم‌چنین اساس اعتقادات، ارزش‌ها و اعمال و ساختار زندگی ما است. هوش معنوی دسترسی انسان به معنا و ارزش و نیز استفاده از آن‌ها در شیوه اندیشیدن و تصمیم‌گرفتن را فراهم می‌کند. این مفهوم به انسان تمامیت می‌بخشد و به او یکپارچگی و وحدت عطا می‌کند و هنگامی که هوش کلی، هوش هیجانی و هوش معنوی به صورت هماهنگ با هم به کار برده می‌شوند ما قادر به آشکار کردن نیروی درونی مان به طور فزاینده و فراوان در دنیا هستیم.

منابع

احدی، بتول؛ نریمانی، محمد؛ ابوالقاسمی، عباس و آسیایی، مریم (۱۳۸۶)؛ ارتباط هوش هیجانی، سبک اسناد و خودکارآمدی با رضایت از زندگی در زنان شاغل. مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱۰(۱): ۱۲۷-۱۱۷.

اسماعیلی شاه سید علی اکبری، الهه (۱۳۸۷). اعتباریابی مقیاس اضطراب مرگ و مقایسه میزان اضطراب مرگ، گرایش به خودکشی و رضایت از زندگی در دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر فرح نادری، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

برادبری، تراویس و گریوز، جین. (۲۰۰۷). EQ، چیست و چرا مهم تر از IQ است. (ترجمه هادی ابراهیمی ۱۳۸۷) چاپ اول، نشر نواندیش.

برنا، محمد رضا؛ سواری، کریم (۱۳۸۶). بررسی رابطه هوش هیجانی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی دانشجویان. فصلنامه علمی ترویجی یافته های نو در روان شناسی، سال اول، شماره ۴، ص ۹۵-۸۲. جوکار، بهرام. (۱۳۸۶). نقش واسطه ای تاب آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی، فصلنامه روانشناسی معاصر، دوره دوم، شماره چهار، صص ۱۲-۳. www.sid.ir

خسرو جاوید، مهناز (۱۳۸۱)؛ بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شات در نوجوانان؛ پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی؛ دانشکده علوم انسانی؛ دانشگاه تربیت مدرس؛ تهران
خویشتن دار، پرویز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی در دانش آموزان دبیرستانی شهرستان بوئین زهرا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

روشنی، خدیجه (۱۳۸۸). رابطه هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ سالمندان، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر فرح نادری، رشته روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

شرفی در آمدی، پرویز (۱۳۸۶). هوش هیجانی و معنویت. چاپ اول، تهران: انتشارات سپاهان.
عسگری، پرویز؛ حیدری، علیرضا؛ نادری، فرح؛ مرعشیان، فاطمه؛ نقی پور، سیما؛ ضمیری، امین (۱۳۸۸). راهنمای آزمون های روان شناختی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلیا؛ نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۷). هوش معنوی، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره دهم.

لطف آبادی، حسین. (۱۳۷۹). روانشناسی رشد (۲) نوجوانی، جوانی و بزرگسالی. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

Augusto Landa, J.M., Lopez-Zafra, E., Martinez de Antonana, R., and Pulido, M. (2006). Perceived emotional intelligence and life satisfaction among university teachers. *Psicothema*, Vol. 18, supl., pp. 152-157.

- Brillhart, B. (2005). A study of spirituality and life satisfaction among persons with spinal cord injury. *RehabilNurs*, 30(1), pp:31-34. available on www.pubmed.com
- Chlan, K. M., Zebracki, K., and Vogel, L.C. (2010). Spirituality and life satisfaction in adults with pediatric-onset spinal cord injury., Retrieved from: www.pubmed.com
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125, 276-302.
- Diener, E., Emmons, A., Larsen, J., & Grifin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of coping and mechanism. Journal of Rural community psychology*, 3, 27-34.
- Extremera, N., & Fernandez, P. (2005). Perceived emotional Intelligence and life satisfaction: Predictive and incremental validity using the trait meta-mood scale. *Personality and Individual Differences*, 39, 937-948.
- Fabricatore, A; Handle, P & Fenzel, M. (2000). Personal spirituality as a moderator between stressors and subjective well-being. *Journal of Psychology and Theology*, 28(3): 221-228.
- Hunsberger, B. (1994). Religion, Age, Life Satisfaction, and Perceived Sources of Religiousness: A Study of Older Persons. *Medicine Social Sciences, The Gerontologist*, Vol.40(5), pp:615-620.
- Karademas, E.C. (2006). Self-efficacy, social support and well-being. The mediating role of optimism. *Personality and Individual Differences*, 40, 1281-1290.
- Kinner, R; Tribbensee, N; Rose, C & Vaughan, S. (2000). In the final analysis: More wisdom from people who have faced death. *Journal of Counseling and Development*, 79(2): 171-177.
- Markides, K.S., Levin, J.S., Ray, L.A. (1984). Religion, Aging, and Life Satisfaction: An Eight-Year, Three-Wave Longitudinal Study. *Medicine Social Sciences, The Gerontologist*, Vol, 27, Issue, 5, pp:660-665.
- Nasel, D.D. (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional christianity and New Age/individualistic spirituality. Doctoral Dissertation, University of Australia: Australia.
- Levin, J.S., Chatters, L.M., Taylor, R.J. (1993). Religious Effects on Health Status and Life Satisfaction among Black Americans. *The Journals of Gerontology: Series B*, Vol.50(3), pp:S154-S163.
- Okulicz-Kozaryn, A. (2009). Religiosity and Life Satisfaction. (A Multilevel Investigation Across Nations). Institute for Quantitative Social Science, Harvard University.
- Palmer, B., Donaldson, C., & Stough, C. (2002). Emotional intelligence and life satisfaction, *Personality and Individual Differences*, Vol.33(7), pp: 1091-1100.
- Schimmack, V., Radharishnan, P., Oishi, S.H., Dzokoto, V., Ahadi, S. (2002). Culture, personality, and subjective well-being: Integrating process model of life satisfaction. *Journal of personality and social psychology*, 82:582-593.
- Saundra HS, Hughey AW 2003. African American Women at Mid life: The Relationship between Spirituality and life Satisfaction. *Journal of African American Women*, 18(2): 133-147.
- Wagner, K. V. (2002). Theories of intelligence, *Journal of psychology*.
- Wong, C.S., & Law, K.S. (2003). The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study. *The Leadership Quarterly*, 13(3), 243-274.
- Wolman, R. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New York: Harmony.

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۳